

The Effect of Poverty Concentration in Marginalized Areas on Social Injuries and Ways to Deal with it from an Islamic Perspective

(Case study of Khorramabad city)

*Amir Siahpoosh**

Assistant Professor, Department of Islamic Revolution, University of Islamic Studies, Qom

Email: amirsiahpoosh370@yahoo.com

Abstract

Numerous national and international studies confirm the definite link between marginalization and social injury. Poverty and the concentration of the poor in these areas are the cause of all kinds of injuries and social deviations. In this study, the method of analyzing documents and criminal records in law enforcement centers has been used to investigate the relationship between poverty concentration in marginalized areas and crime in these areas. The sample size used includes 1825 files. In addition, the results of other studies have been used to supplement the research data. In the section of explanation and solution, an attempt has been made to explain the relationship between poverty and social injuries based on the verses and narrations of logic. Findings show that the suburbs of Khorramabad are the main centers of crime and all kinds of social injuries, especially theft and addiction. According to verses and hadiths, poverty facilitates pessimism, cynicism, social isolation, humiliation and modesty in individuals. An important part of relief programs should focus on solving these psychological and social problems.

Keywords: Poverty, Poverty Concentration, Marginalization, Social Injury, Social Crime.

*. Date of Reception: 2021/09/21 , Date of Acceptation: 2021/10/25

تأثیر تمرکز فقر در مناطق حاشیه‌نشین بر آسیب‌های اجتماعی و راه‌های مقابله با آن از منظر اسلامی (مطالعه موردی شهر خرم‌آباد)

امیر سیاهپوش*

استادیار گروه انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم

Email: amirsiahpoosh370@yahoo.com

چکیده

مطالعات متعدد ملی و بین‌المللی، مؤید رابطه قطعی بین حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی است. فقر و تمرکز فقرا در این مناطق، زمینه‌ساز انواع آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است. در این پژوهش از روش تحلیل اسناد و پرونده‌های جرم موجود در مراکز انتظامی برای بررسی رابطه تمرکز فقر در مناطق حاشیه‌نشین و جرم‌خیزی این مناطق استفاده شده است. حجم نمونه استفاده شده شامل ۱۸۲۵ پرونده است. افزون بر آن، از نتایج دیگر پژوهش‌ها برای تکمیل داده‌های تحقیق نیز استفاده شده است. در بخش تحلیل و ارائه راهکار، تلاش شده مبتنی بر آیات و روایات منطق رابطه بین فقر و آسیب‌های اجتماعی تبیین شود. یافته‌ها نشان می‌دهد مناطق حاشیه‌نشین خرم‌آباد، کانون اصلی پرورش جرم و انواع آسیب‌های اجتماعی به‌خصوص سرقت و اعتیاد است. طبق بر آیات و روایات، فقر عامل تسهیلگر، بدبینی، بددلی، انزوای اجتماعی، تحقیر و کاهش حیا در افراد می‌شود. بخش مهمی از برنامه‌های امدادی باید متمرکز بر حل این معضلات روانی و اجتماعی باشد.

کلیدواژه‌ها: فقر، تمرکز فقر، حاشیه‌نشینی، آسیب اجتماعی، جرم اجتماعی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۲

بیان مسئله

مسئله انحرافات و جرایم اجتماعی از مهم‌ترین معضلاتی است که اغلب جوامع کنونی با آن روبه‌رو هستند. کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، هرکدام به شکلی با این نوع انحرافات درگیرند. کج‌روی و ارتکاب جرم در جامعه ما، جزء مهم‌ترین معضلاتی است که مردم و دولتمردان با آن درگیرند. تلاش‌های جدی صورت گرفته و راه‌حل‌های گوناگونی پیشنهاد شده است، اما آمار ارائه شده نشان می‌دهد مشکل روزبه‌روز حادث‌تر و جدی‌تر می‌شود. معضلاتی چون قاچاق مواد، اعتیاد، سرقت، قتل، جعل و کلاه‌برداری، گسترده‌تر شده و ابعادی نوین یافته است.

در مورد عامل شکل‌گیری جرایم مختلف، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد؛ برخی انگیزه‌ها و اراده شخص را در اولویت قرار می‌دهند و برخی دیگر، شرایط محیطی و عده‌ای نیز مدیریت کلان و شرایط بین‌المللی را در این امر مؤثر می‌دانند، اما متغیری که غالب محققان و اندیشمندان این عرصه بر آن تأکید دارند، تأثیر فقر اقتصادی بر گرایش به جرم است. بسیاری از محققان با رجوع به واقعیت‌های اجتماعی و بررسی‌های تجربی گوناگون به این نتیجه رسیده‌اند که فقر منشأ اصلی جرایم و انحرافات اجتماعی است که البته نه در همه جرایم که در غالب این کج‌روی‌ها، فقر و محرومیت، نقش اصلی و اساسی را ایفا می‌کند.

گذشته از تعریف حدود و ثغور فقر، این پدیده دارای ابعاد و اشکال گوناگونی است. یکی از اشکال جدی محرومیت، فقر شهری است؛ به‌ویژه زمانی که تفکیک و فاصله فیزیکی در این میان مؤثر باشد. هرگاه فقرا در نقاط خاصی از شهر متمرکز شوند، بستر و شرایط مناسب برای شکل‌گیری باندهای جرم و گروه‌های بزهکار فراهم می‌شود. این مناطق را در تعاریف غالب، حاشیه‌ای قلمداد می‌کنند. هرچند در مناطق مرکزی شهر قرار گرفته باشند. در این تحقیق مسئله این است چه رابطه‌ای بین فقر شهری یا حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؟ سازوکار و شیوه تأثیر فقر و حاشیه‌نشینی بر آسیب‌ها چیست و در نهایت، با توجه به یافته‌های پژوهشی و مبتنی بر آیات و روایات، راهکار مناسب برخورد با حاشیه‌نشینی چه خواهد بود؟

پیشینه تحقیق

به علت اهمیت و حساسیت موضوع، تحقیقات بسیار متعدد و متنوعی در کشورهای توسعه‌یافته در مورد رابطه فقر و جرایم اجتماعی صورت گرفته است. حجم تحقیقات و مطالعات بسیار زیاد بوده و در اینجا مجالی برای اشاره به همه این موارد (حتی به صورت فهرست‌وار) نیست. بنابراین تنها به برخی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین این کارها اشاره می‌شود.

کرانفورد، ملامود و دامپسون در سال ۱۹۵۰ مطالعه تخصصی در مورد گروه‌های بزهکار محله پرجمعیت نیویورک (محله فقیرنشین آن) انجام داده‌اند. تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد بسیاری از دخترانی که با گروه‌های

بزهکار همدستی و همکاری داشته‌اند از لحاظ امور جنسی بی‌بندوبار بوده و حاملگی‌های نامشروع در میان آنان پدیده‌ای عادی و مشترک محسوب می‌شود (اسمیت، ۱۳۷۹، ص ۱۲۸). پسران بزهکار خیلی راحت با رسوم فاسد جامعه آمریکایی آشنا می‌شوند، مناطق پرجمعیت مرکز ملاقات اولیه قاچاقچیان، زدوخوردها، جاروجنجال‌ها و مأموران فاسد دولتی است. پسران بزهکار می‌بینند که چگونه قاچاقچیان قانون را به مسخره گرفته و مأموران را تطمیع می‌کنند (اسمیت، ۱۳۷۹، ص ۱۳۳). کلوارد و الین در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که گروه‌های بزهکاری به وجود آمده در حومه شهرها، گونه‌ای از خرده‌فرهنگ تبه‌کار را تشکیل می‌دهند (اسمیت، ۱۳۷۹، ص ۱۳۱).

بر اساس تحقیقات هالینگ شید در سال ۱۹۴۹، آداب و رسوم متفاوتی که در مناطق پرجمعیت وجود دارد و افرادی که در آن زندگی می‌کنند، اغلب موجب حمایت، چشم‌پوشی و تشویق افراد به بزهکاری می‌گردد. بسیاری از اعضای جوان گروه‌های بزهکاری در محله، گنگسترهای موفق را تحسین کرده و با آنان رقابت و هم‌چشمی می‌کنند (اسمیت، ۱۳۷۹، ص ۱۳۲).

هانترز پس از مطالعات فراوان و بررسی اسناد، مدارک و اطلاعات موجود به این نتیجه رسید که در ایالات متحده، شهرهایی که ۲۰ درصد جمعیت آن‌ها را محلات کثیف تشکیل داده باشند؛ ۵۰ درصد بازداشت‌ها، ۴۵ درصد جنایات رسمی که آمار آن منتشر شده باشد و ۵۵ درصد جرایم آن جامعه را به خود اختصاص خواهند داد (فرجاد، ۱۳۷۴، ص ۲۵۰).

از مطالعاتی که در محلات کثیف «میل واک» انجام شد، نتایج ذیل به دست آمد:

۶۹ درصد از آن غارتگری‌ها و حملات است؛ ۲۱ درصد از جرم‌ها، از آن ضرب و جرح شدید است؛ ۶۰ درصد از آدمکشی‌ها، عمدی است؛ ۷۲ درصد از سوءاستفاده‌ها مربوطه به دزدی‌های تجارتهای است؛ ۲۲ درصد از آن شرب خمر است و ۷۲ درصد از جرایم را توزیع‌کنندگان مواد مخدر به خود اختصاص داده‌اند (فرجاد، ۱۳۷۴، ص ۲۵۰).

در ایران، در مورد رابطه فقر و جرایم اجتماعی تحقیقات قابل‌اعتنایی صورت گرفته است. در مورد نواحی فقیرنشین شهر خرم‌آباد و رابطه فقر و جرایم اجتماعی در این شهر، تحقیقات محدودی صورت گرفته است:

۱. یکی از مهم‌ترین تحقیقات، سال ۱۳۸۲ توسط سازمان بهزیستی لرستان صورت گرفته است. این پژوهش به بررسی وضعیت خانواده‌های ساکن در محله کوی پریان پرداخته است. تحقیق به صورت تمام شماری بوده و آمار پایه برای انجام طرح‌های تبیینی را فراهم ساخته است. بر اساس نتایج این تحقیق:

- حدود ۳۵ درصد کل افراد محله بیکارند و بالای ۷۰ درصد کل افراد شاغل دارای مشاغل کارگری هستند؛

- از بین حدود ۶۰۰ خانوار ساکن در محله، کمتر از ۱۰ خانوار درآمدی بالای خط فقر دارند؛

- حدود ۹ درصد کل افراد سرپرست خانوار این محله، معتاد به مواد مخدر هستند؛

- بیش از ۲ درصد کل افراد سرپرست خانوار، سوءپیشینه دارند.

۲. تحقیق دیگر کاری است که توسط فرهاد طهماسبی در سال ۱۳۸۰ انجام شده است (بررسی نقش راهکارهای فرهنگی در کاهش مفاسد اجتماعی در بین جوانان شهرستان خرم‌آباد) تحقیق با نمونه آماری بسیار محدود (۳۰ نفر) صورت گرفته و نتایج آن نشان می‌دهد ۵۰ درصد مجرمان در مناطق متوسط، ۱۷ درصد در مناطق مرفه، ۱۷ درصد در مناطق محروم و ۱۶ درصد در مناطق روستایی سکونت داشته‌اند.

۳. بررسی سریع وضعیت در منطقه کوی علی‌آباد شهرستان خرم‌آباد

این پژوهش توسط جمعیت هلال‌احمر استان لرستان و با همکاری معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی لرستان صورت گرفته است. منطقه علی‌آباد یکی از محلات فقیرنشین و جرم‌خیز شهر خرم‌آباد است. نسبت به جمعیت، بیشترین درصد معتادان شهر مربوط به همین محله است. طرح مذکور، به‌صورت تمام شماری بوده و اطلاعات خانه به خانه و از طریق پرسشنامه گردآوری شده است.

نتیجه کلی طرح نشان می‌دهد، میزان اعتیاد در این محله فقیرنشین بالاست و امکان ابتلا به بیماری‌های عفونی مثل ایدز، به دلیل استفاده از روش تزریق و استفاده از سرنگ مشترک در زندان بالاست. همین افراد با بازگشت مجدد به خانه ناقل ویروس خواهند بود. بیماری آن‌ها وضعیت اقتصادی خانواده را وخیم‌تر کرده و تا مرز فروپاشی کامل پیش می‌برد که به دنبال آن، میزان جرایم در این نوع محلات افزایش خواهد یافت.

پژوهش‌های متعدد دیگری هم صورت گرفته‌اند که تأثیر حاشیه‌نشینی بر افزایش جرم را نشان می‌دهد؛ مانند: تحقیقات اسماعیلی (۱۳۹۰)؛ مرادی منفرد (۱۳۹۲)؛ بیرانوند (۱۳۹۳)؛ اسمعیل‌نژاد مرتضی و همکاران (۱۳۹۰)، محسن زاده (۱۳۹۲)؛ تحقیق سجادی، ژیلا و همکاران (۱۳۹۲).

برخی تحقیقات هم به کیفیت کالبدی مناطق حاشیه‌نشین و تفاوت آن با مناطق دیگر پرداخته‌اند.

مجموع تحقیقات محلی، ملی و بین‌المللی رابطه بین حاشیه‌نشینی و جرم و تأثیر فقر این مناطق بر این رابطه را با اطمینان بالا تأیید می‌کند.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش تحلیل محتوای اسناد و روش مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شده است. در بخش اصلی تحقیق، محقق پرونده‌های جرم در اداره آگاهی لرستان بین سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۱ را موردبررسی قرار داده است. از طریق تهیه پرسشنامه معکوس اطلاعات گرد آوری شده است. ابتدا بر اساس ماهیت موضوع موردبررسی متغیرهایی تعیین و پرسشنامه‌ای طراحی شد. این پرسشنامه در اختیار مأموران استخراج اطلاعات قرار گرفت.

اطلاعات مربوط به پرونده یک مجرم وارد یک پرسشنامه شده است. کل حجم نمونه (۱۸۲۵ پرونده) از بین پرونده‌های جرم در سه مقطع زمانی انتخاب شده است: سال ۱۳۷۰، سال ۱۳۷۶، سال ۱۳۸۱.

برای تکمیل داده‌ها و بررسی وضعیت مناطق حاشیه‌نشین در سال‌های بعد از ۱۳۸۱ از مطالعات دیگر محققان استفاده شده است. بخش مهمی از تحقیق، ارائه راهکارهای مقابله مناسب با جرم‌خیزی مناطق فقیرنشین است. در این بخش عمدتاً از آیات و روایات بهره گرفته شده است.

تعریف مفاهیم

مفاهیم محوری این تحقیق عبارت‌اند از: فقر، تمرکز فقر، جرایم اجتماعی.

جرم اجتماعی: رویکردهای مختلفی در تعریف جرم وجود دارد؛ از جمله: رویکرد حقوقی و قانونی، رویکرد قانونی - اجتماعی، رویکرد بین فرهنگی، رویکرد آماری، رویکرد برچسب‌زنی و رویکرد بی‌نظمی آرمانی (ستوده، ۱۳۸۱، ص ۶۶-۶۵).

به‌طورکلی مفهوم انحراف یا جرم شامل هرگونه رفتاری می‌شود که با هنجارهای اجتماعی هم‌نواپی ندارد؛ البته اگرچه در عمل، همه هنجارهای اجتماعی به‌طور خاص دارای اهمیت یکسان نبوده و عدم هم‌نواپی با آن‌ها ممکن است مورد چشم‌پوشی قرار گیرد و یا حتی نادیده گرفته شود. جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی، متوجه آن دسته از نقض هنجارهاست که عده زیادی از مردم، به دید گناه به آن می‌نگرند و غالباً انحراف و جرم را مترادف با قانون‌شکنی می‌دانند (ستوده، ۱۳۸۱، ص ۳۱).

با این تعریف، دایره جرایم بسیار وسیع و گسترده است و جرم شامل انواع متعدد می‌شود؛ مانند: شرب خمر، ضرب و جرح، فحشا، سرقت، قتل (عمد و غیر عمد)، قاچاق مواد مخدر، اعتیاد، جعل، کلاه‌برداری، آدم‌ربایی، جرایم اداری و... در اینجا از بین جرایم مختلف، چند نوع جرم که دایره مشخص‌تر داشته و توافق بیشتری بر مجرمانه بودن آن در جامعه ما وجود دارد و با اطمینان بیشتری می‌توان به پرونده‌های موجود در مورد آن، استناد کرد، مورد بررسی قرار می‌گیرد: قتل (عمد و غیر عمد)، جعل، کلاه‌برداری، آدم‌ربایی، سرقت، قاچاق مواد مخدر و اعتیاد.

معیار مجرمانه بودن این اعمال، دستگیری و محکومیت توسط نیروی انتظامی و مجریان قانون است. بنابراین در اینجا به انواع تعاریف و توصیفات مختلف در مورد هرکدام توجهی نمی‌شود. مجرم کسی است که توسط قانون دستگیر و محکوم شده باشد.

فقر: در لغت به معنای تنگدستی، تهیدستی، پریشانی، شکستن، کنده‌کاری و... است؛ اما از نظر اجتماعی و اقتصادی به‌طورکلی تعاریف ارائه‌شده از فقر در دودسته تعریف معیشتی از فقر (فقر مطلق) و تعریف فقر به‌مثابه محرومیت نسبی جای می‌گیرند.

هرگاه شخص از تأمین نیازهای اولیه زندگی خود و افراد تحت سرپرستی اش ناتوان باشد و به عبارت دیگر، از آن میزان کالری یا پروتئین لازم برای ادامه حیات سالم، برخوردار نباشد، دچار فقر مطلق است (فراهانی فرد، ص ۲۶). منظور از نیازهای اولیه و ضروری، خوراک، پوشاک و مسکن است. خانواده‌ای که درآمدش کفاف تأمین این نیازها را نمی‌کند، دچار فقر است. این تعریف و تلقی از فقر، از اوایل قرن حاضر در ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی به عنوان یک سیاست رسمی در پژوهش‌ها غلبه داشته است. نکته‌ای که این تعریف را قابل قبول می‌سازد، ناشی از خصلت عینی و عملی آن است که بر اساس ارزیابی تأمین نیازهای غذایی لازم برای سلامت جسمی فرد تنظیم شده است (ازکیا، ص ۲۸).

ممکن است گروهی از افراد یک کشور، از توانایی لازم برای تأمین نیازهای اولیه زندگی برخوردار باشند، ولی به لحاظ اینکه درآمد و سطح زندگی آنان از متوسط درآمد جامعه پایین‌تر است، در فقر نسبی به سر برند (فراهانی فرد، ص ۲۶). تاونزند در تعریف محرومیت نسبی، معتقد است باید به درک اجتماعی نیازهای مهم و مصوب اجتماعی، ارزش‌های متداول، سبک‌های زندگی و اینکه چگونه این صورت‌های لازمه حیات، در طی زمان دگرگون می‌شوند، نائل آمد (ازکیا، ص ۲۹). فقر بر این اساس، بسیار سیال و نامحدود خواهد بود؛ زیرا در هر جامعه‌ای، ارزش‌ها و سبک زندگی متفاوتی حاکم است؛ بنابراین، احساس محرومیت در جوامع مختلف، متفاوت است.

در طرح حاضر، معیار تعریف معیشتی، فقر است. اشخاصی که از تأمین نیازهای اولیه و ضروری زندگی ناتوان بوده و درآمد آن‌ها کفاف زندگی را نمی‌دهد، مشمول تعریف فقر هستند که در اینجا شاخصه میزان درآمد سرانه، نوع مالکیت مسکن، تعداد افراد خانوار، میزان مصرف سرانه مواد غذایی و پوشاک، میزان برخورداری از آموزش و پرورش و بهداشت و درمان می‌تواند پاسخگو باشد.

تمرکز فقر: آنچه در طرح حاضر مهم است میزان تمرکز فقر در مناطق شهری است. ویلیام جی. ویلسون، نواحی و محله‌هایی که حداقل ۲۰ درصد خانوارهای آن زیر خط فقر، درآمد دارند را محله‌هایی با تمرکز فقر تعریف می‌کند. هرچه این درصد بیشتر باشد، میزان تمرکز فقر بیشتر خواهد بود. مسی و ایگرز این‌گونه تعاریف را قراردادی دانسته و سعی می‌کنند با توجه به داده‌های مربوط به توزیع فضایی درآمد و استفاده و ارزیابی سنجش جدایی‌گزینی استاندارد، برای جدایی‌گزینی گروه‌های درآمدی و به‌کارگیری شاخص جدایی‌گزینی بدیل برای سنجش تمرکز فضایی فقر، به سنجش‌های دیگر نائل آیند. آنان بر اساس خط فقر، گروه‌های درآمدی را به چهار دسته تقسیم می‌کنند: خانواده‌های فقیر، طبقه متوسط رو به پایین، طبقه متوسط رو به بالا و خانواده‌های مرفه. حال سؤال این است که آیا جدایی‌گزینی بین طبقاتی افزایش یافته است؟ به همین ترتیب رشد تمرکز فقر می‌تواند به معنای افزایش تماس‌های درون طبقاتی باشد (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۲۴۴).

در اینجا متأسفانه به دلیل فقدان اطلاعات و آمار لازم، نمی‌توان شاخص‌های ویلسون و مسی و ایگرز را در

مورد تمرکز فقر به کار گرفت. شاخص ویلسون، متضمن در اختیار داشتن اطلاعاتی در مورد خط فقر و وضع توزیع فضایی گروه‌های درآمدی در مناطق شهر خرم‌آباد است، اما این اطلاعات در دسترس نیست.

مطالعات متعدد میدانی، محلات فقیرنشین شهر خرم‌آباد را تا حدود زیادی شناسایی کرده‌اند. برخی محلات هم از نظر کالبدی و موقعیت و هم از نظر عرف ساکنان شهر، مشهور به حاشیه‌نشینی و به اصطلاح، نشان‌دار هستند.

مروری بر دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف مرتبط با موضوع

اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم انسانی، عوامل متفاوتی را در شکل‌گیری جرایم اجتماعی مؤثر می‌دانند. در این مورد، بیش از همه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و اندیشمندان حوزه روان‌شناسی اجتماعی به بحث و تحقیق پرداخته‌اند. این اندیشمندان، عوامل زیر را در شکل‌گیری جرم مؤثر می‌دانند: عواملی مانند: عوامل زیست‌شناختی، عوامل شخصیتی و روانی، عوامل جغرافیایی و محیطی و عوامل اجتماعی.

در جامعه‌شناسی رویکردهای مختلفی در مورد عوامل جرم‌زا وجود دارد. مکاتب مختلف به‌طورکلی بر نقش عواملی چون مدرسه، گروه همسالان، خانواده، منطقه سکونت و پایگاه اقتصادی - اجتماعی تأکید می‌کنند.

در اینجا از بین نظرگاه‌های مختلف تنها به دیدگاه‌هایی اشاره می‌شود که به‌نوعی نقش فقر و تمرکز آن در محلات شهری را بر جرایم اجتماعی موردتوجه و دقت قرار داده‌اند:

نظریه ساترلند: وی معتقد است رفتار انحرافی از طریق معاشرت با اغیار یا پیوند افتراقی یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند جنایتکاران، آموخته می‌شود. برای آنکه شخص جنایتکار شود، باید نخست بیاموزد که چگونه می‌توان جنایت کرد (ستوده، ۱۳۸۱، ص ۱۳۱). محلات فقیرنشین شهری، جایی مناسب برای اجتماع مجرمان و به دنبال آن، محلی برای آموزش و تأیید رفتار مجرمانه است. در این محلات، گروه‌های بزهکار، فضایی را به وجود می‌آورند که بیش از هر جا در آنجا رفتار مجرمانه تأیید می‌شود.

محیط اجتماعی و جرم: برخی از محققان معتقدند تا شرایط محیطی و اجتماعی فراهم نباشد، جرمی اتفاق نخواهد افتاد. لاکاساین می‌گوید: بزهکاری یک میکروپ اجتماعی است. این میکروپ در محیطی که آمادگی پروراندن تبه‌کار نداشته باشد، بروز نمی‌کند. بدین اعتبار، هر جامعه بزهکارانی دارد که شایسته همان جامعه است (ستوده، ۱۳۸۱، ص ۷۲).

خرده‌فرهنگ کچروی: خرده‌فرهنگ منحرف، گروهی از کچروان را در بر می‌گیرد که شیوه زندگی یکسان دارند، پیوسته با یکدیگر در تماس‌اند، یاریگر هم هستند و ضمن شرکت در فعالیتی که جامعه بزرگ‌تر، آن را انحراف آمیز می‌خواند، به خرده‌فرهنگشان وفادارند. آنان در مواقع ضروری پشتیبان و حامی یکدیگر هستند و برای رفتارهای

خلاف، تسهیلاتی را برای هم فراهم می‌آورند؛ مثل روسپیان، هم‌جنس‌بازان، معتادان، دسته‌های تبهکار و جیب‌برهای حرفه‌ای.

خرده‌فرهنگ کج‌رو با حمایت از اعضای گروه خود در برابر جامعه بزرگ‌تر و تأیید رفتار و حرمت قائل شدن و نیز با آموزش آنان که چگونه بدون دستگیری، مرتکب رفتارهای خلاف شوند، اعضا را مورد حمایت قرار می‌دهند و تا حد توان در حل مسائل آنان در امر انطباق با شیوه‌های زندگی متفاوت گروه، به اعضایشان کمک می‌کنند (ستوده، ۱۳۸۱، ص ۳۶).

فرهنگ‌گرایان معتقدند عامل اصلی تمایل به کژ رفتاری در طبقات پایین، خرده‌فرهنگ این طبقات است. ارزش‌ها و الگوهای رفتاری این طبقه به‌گونه‌ای است که آمادگی لازم برای ارتکاب رفتارهای جرم‌گونه را در آنها ایجاد می‌کند (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۲۴۶). به‌طورکلی، غالب دیدگاه‌ها، فقر و تمرکز فقرا در مناطق خاص را زمینه‌ساز شکل‌گیری جرایم اجتماعی می‌دانند.

به چند دلیل، زمینه‌گرایش به جرم، برای فقرا مساعدتر است:

- برآورده نشدن نیازهای اساسی زندگی مثل مسکن، پوشاک و خوراک و ناتوانی در کسب درآمد از طریق وسایل مشروع؛

- حس انتقام‌جویی: اشخاص فقیر برای بازستاندن حق خود و بنابر پندار شخصی، با سرقت اموال آنان، یا با تخریب این اموال و یا با رساندن صدمات جانی به افراد متمول و صاحبان ثروت، آسیب می‌رسانند:

- در فرد تهیدست عقده حقارت ایجاد می‌شود و او را به سمت ارتکاب جرم می‌کشاند. به این تعبیر، همان‌طور که گرسنگی، شخص را به کژ رفتاری وادار می‌کند، حسد و جاه‌طلبی نیز ممکن است فرد را به انحراف سوق دهد. غالب دخترانی که منحرف شده‌اند، از یک‌سو دارای زندگی محقر بوده، ولی از سوی دیگر، تمایل به داشتن لباس‌های فاخر و تجملات دیگر داشتند.

- محیط خانوادگی نامناسب و فضای فیزیکی محدود برای زندگی: جوانانی که باید در همان اتاق پدر و مادر خود با سایر برادران و خواهران بزرگ‌تر یا کوچک‌تر زندگی کنند و ناچارند هرگونه صدا، تمایل، سلیقه متضاد و دخالت‌های به‌جا و نابجای دیگران را از نزدیک احساس و تحمل کنند، برای ارتکاب جرم، واجد آمادگی بیشتر هستند (ستوده، ۱۳۸۱، ص ۸۰).

یافته‌های تحقیق

در این بخش، برخی یافته‌های تحقیق میدانی صورت‌گرفته که مؤید رابطه فقر شهری و جرم‌خیزی است، ارائه می‌شود و در ادامه به تبیین عوامل مؤثر بر جرم‌خیزی این مناطق و راهکارهای مناسب مواجهه با آن پرداخته خواهد شد.

از لحاظ میزان توسعه، خرم‌آباد تنها ظواهری از تجدد را داراست. تنها جزء کوچکی از زندگی شهر را کارخانه‌ها و تشکیلات مدرن صنعتی شکل داده است. به همین علت، نیروی کارگر روستایی به امید کارخانه‌های صنعتی چندان جذب آن نشده است، اما به علت مرکزیت استان، جاذبه‌های کاذب مثل فروشنده‌گی و واسطه‌گری و انجام خدمات دون‌پایه عده زیادی از مردم شهرها و روستاهای اطراف را به سمت خود کشیده است.

شهر خرم‌آباد از محلات متعددی تشکیل شده است. مرز بین محلات تا حدود زیادی مشخص بوده و با وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم مطابقت دارد، مناطق مرفه و متجدد شهر در مرکز آن قرار دارند. مناطقی چون شهدا، مطهری و انقلاب که حول مراکز اداری و بازار شهر شکل گرفته‌اند.

شهر خرم‌آباد به درازا و در امتداد یک دره شکل گرفته به گونه‌ای که خیابان‌های مرکزی شهر در همین جهت و در امتداد هم قرار دارند. مناطق ثروتمند شهر، حول همین خیابان‌های مرکزی قرار گرفته‌اند. هرچه از مرکز شهر دور شده و به سمت کوه می‌رویم، از قیمت منازل و زمین کاسته شده و مردم با وضع معیشتی پایین‌تر، زندگی می‌کنند. محلات فقیرنشین شهر درست در سینه‌کش کوه‌ها (جایی که دیگر امکان توسعه شهر نبوده است) قرار دارند. این مناطق به نوعی، حاشیه‌نشین نیز به حساب می‌آیند که البته برخی محله‌های مرفه نشین مانند قاضی آباد نیز در سینه‌کش کوه قرار دارند.

مناطق که محل سکونت خانواده‌های طبقه مرفه و متوسط جامعه هستند: از سمت جنوب به شمال: محلات اطراف میدان شقایق، علوی، مطهری، قاضی آباد، سبزه‌میدان، شهدا، اطراف خیابان انقلاب و محلات اطراف میدان کیو (مثل فاز یک)، اما مناطق فقیرنشین دور از خیابان‌های مرکزی و در دامنه کوه قرار گرفته‌اند که عبارت‌اند از:

آزادی شمشیرآباد، اسدآبادی، گل سفید، پشت بازار، پشته حسین‌آباد، میدان تیر و فلک‌الدین و محله پاچنار. در اینجا معیار تفکیک محلات همین تفکیک‌های عرفی و مرسوم بوده که چنان‌که گفته شد، تا حد بسیار با مرزهای اقتصادی مطابقت دارد. بر این اساس، شهر به ۲۱ محله تقسیم شده کد جداگانه و به هر محله اختصاص یافته است؛ زیرا پرونده‌های جرایم اتفاق افتاده در شهر، نقاط حومه‌ای را نیز شامل می‌شود و به افراد ساکن در حومه نیز یک کد اختصاص یافته است. هم‌چنین سایر بخش‌های شهرستان خرم‌آباد، سایر شهرهای استان و سایر نقاط کشور جهت فهم بهتر موضوع و کنترل متغیرهای بیرون از شهر، هرکدام با کد جداگانه‌ای مشخص شده‌اند.

توزیع آماری محل سکونت مجرمان، به وضوح نشان می‌دهد مجرمان در کل نقاط شهر خرم‌آباد پراکنده‌اند، اما این توزیع یکسان نیست. نقاط فقیرنشین، درصد بالاتری از مجرمان را در خود جای داده‌اند و نقاط مرفه نشین درصدی پایین‌تر. برخی مناطق متوسط نیز از لحاظ جرم‌خیز بودن آمار بالایی را نشان می‌دهند، اما به نسبت جمعیت

ساکن در آن، چندان زیاد نیست. به‌طورکلی، طبق جدول زیر، مناطق فقیرنشین زیر بیشترین تعداد مجرمان را در خود جای داده‌اند:

جدول شماره (۱): فراوانی تعداد مجرمان در مناطق فقیرنشین

| ردیف | منطقه | درصد |
|------|----------------|------|
| ۱ | پشت بازار | ۱۴/۴ |
| ۲ | پشته حسین‌آباد | ۱۰/۱ |
| ۳ | میدان تیر | ۱۰/۵ |
| ۴ | اسدآبادی | ۱۰/۳ |
| ۵ | جهانگیر آباد | ۴/۵ |
| ۶ | آزادی | ۸/۱ |
| ۷ | علی‌آباد | ۲/۶ |
| ۸ | گل سفید | ۴ |

نتایج نشان می‌دهد مناطق مذکور بیش از ۶۰ درصد کل مجرمان را در خود جای داده‌اند و این رقم به نسبت جمعیت ساکن در این مناطق، بسیار بالاست.

نکته دیگر، نسبت جرم برخی محلات است. برخی مناطق مانند منطقه گل سفید، بسیار آلوده و جرم‌خیز هستند. میزان جرایمی مانند اعتیاد و قاچاق مواد در این منطقه بسیار بالاست، اما به علت همبستگی چندلایه بین افراد ساکن، میزان کشف جرایم، بسیار پایین است. در حقیقت، این منطقه و منطقه علی‌آباد، به‌نوعی به حال خود رها شده‌اند و علت پایین بودن پرونده‌های جرم در این محلات، سختی نفوذ در این مناطق و میزان کشف پایین آن است. این نکته‌ای است که حتی مسئولین نیروی انتظامی به‌شدت بر آن تأکید داشتند. آن‌ها معتقدند آمار پرونده‌های جرم این مناطق به علل مختلف، با واقع مطابقت ندارد؛ برخی مناطق مانند پشته حسین‌آباد، نیز وضعیتی مشابه دارند، اما بنا به عللی، امکان کشف جرایم و دستگیری مجرمان این مناطق وجود دارد. بسیاری از افراد محل، آبرومند بوده و وضعیت و موقعیت مجرمان را به مأمورین گزارش می‌دهند. افزون بر این، نیروی انتظامی بسیار راحت‌تر می‌تواند مجرمان را تعقیب و آن‌ها را دستگیر کند. در صورتی که در مناطقی مانند گل سفید، درست عکس این حالت وجود دارد.

در جدول شماره (۲)، مناطقی که محل سکونت طبقات مرفه و متوسط جامعه‌اند، مجرمان بسیار کمتری را در خود جای داده‌اند.

جدول شماره (۲): فراوانی مجرمان در مناطق مرفه‌نشین

| ردیف | ۱. منطقه | ۲. درصد |
|------|-----------|---------|
| ۱ | قاضی آباد | ۲/۶ |
| ۲ | مطهری | ۲ |
| ۳ | ولیعصر | ۶ |
| ۴ | کیو | ۴/۲ |
| ۵ | جهادگران | ۰/۶ |
| ۶ | گل دشت | ۰/۹ |
| ۷ | انقلاب | ۳/۴ |

مناطقى مانند دره گرم و شفا، درصد جرم بالایی را نشان می‌دهند (هرکدام حدود ۸ درصد). این مناطق بیشتر شامل طبقات متوسط و متوسط به پایین جامعه می‌شوند. افزون اینک، حجم جمعیت و وسعت این مناطق، بالاتر از سایر نقاط شهر است.

بنابراین با احصاء آمار نامکشوف مناطقى مانند گل سفید و شمشیر آباد می‌توان گفت در مجموع حدود ۶۵ درصد کل مجرمان در محلات فقیرنشین شهر سکونت دارند و این میزان به نسبت جمعیت فقیرنشین، بسیار بالاست. نکته مهم مرتبط با موضوع طرح، فهم میزان تمرکز فقر در محلات مذکور است که متأسفانه آمار و اطلاعات پایه‌ای در این مورد وجود ندارد.

اگرچه نمی‌توان به‌طور دقیق وضع درآمدی افراد ساکن در محلات مختلف را مشخص کرد، اما خوشبختانه وضعیت برخی از این محله‌ها توسط بعضی از نهادها، به‌طورکلی بررسی و آمار لازم در مورد آن گردآوری شده است؛ مثل منطقه گل سفید که در قسمت غربی شهر خرم‌آباد و با محله پشت بازار، هم‌جوار است. محله‌های این منطقه، فقیرنشین با منازل مسکونی بسیار کوچک و ارزان‌قیمت و کوچه‌های تنگ که حد واسط قیرستان و بافت مرکزی شهر مانند برآمدگی ناهنجاری در پشت جاده ورودی شهر از سمت کوه‌دشت و انتهای دامنه جنوبی سفیدکوه واقع شده است.

پروژه تحقیقی در سال ۱۳۸۲ با عنوان «بررسی وضعیت خانواده‌های ساکن در محله کوی پریان خرم‌آباد» توسط سازمان بهزیستی استان لرستان انجام شده است. این طرح به‌صورت همه‌پرسی بوده و با استفاده از پرسشنامه اطلاعات آن گردآوری شده است. در طرح مذکور، منطقه به دو قسمت محله بالا و محله پایین تقسیم

شده است که محله بالا، فقیرنشین‌تر از محله پایین بوده و مأمّن اصلی مجرمان معرفی شده است. مطابق آمار، جمعیت بالای منطقه ۱۷۲۷ نفر و جمعیت پایین ۹۴۰ نفر است. در بالای منطقه، ۳۴ درصد و در پایین منطقه حدود ۳۳ درصد از کل، کارگر و کمتر از ۲ درصد کل شاغلان محل، کارمند هستند. ۲۲/۴ درصد خانواده‌های بالای منطقه و ۲۰ درصد کل خانواده‌های پایین منطقه، هیچ درآمدی ندارند. به‌نوعی با قاطعیت می‌توان گفت بیش از ۹۵ درصد افراد کل منطقه زیر خط فقر قرار دارند که در هر صورت، محله گل سفید، نمونه روشنی از رابطه وضع معیشت با میزان جرم است. منطقه شمشیرآباد، نیز وضعیتی تقریباً مشابه، اما با میزان اعتیاد بیشتر و وضعیت معیشتی نسبتاً بهتر دارد.

مناطقى مانند پشته حسین‌آباد، اسدآبادی و پشت بازار، وضعیت معیشتی بهتری دارند. حجم جمعیت این مناطق بسیار بیشتر است. افزون این‌که تعداد خانواده‌های با درآمد متوسط در این مناطق بالاست، اما در مجموع، میزان تمرکز فقر بالاست.

چنان‌که در بخش تعاریف آمد، معمولاً اگر ۲۰ درصد کل خانواده‌های یک منطقه، زیر خط فقر باشند، گفته می‌شود تمرکز فقر وجود دارد. با درصد اطمینان بالا می‌توان گفت این حالت در این مناطق وجود دارد. بیش از ۳۰ درصد کل خانواده‌های مناطق مذکور، زیر خط فقر قرار دارند. اگرچه وضع معیشتی این مناطق از محلاتی مثل گل سفید و شمشیرآباد بسیار بهتر است.

در اینجا به منظور فهم بهتر رابطه میزان جرم و شدت تمرکز فقر در نقاط مختلف خرم‌آباد، محلات شهر به سه دسته مجزا تقسیم شده‌اند:

محلات فقیرنشین، محلات مرفه و متوسط نشین و محلاتی که ترکیبی از اقشار مختلف را در خود جای داده است. همان‌گونه که گفته شد، اگرچه آمار و اطلاعات لازم در مورد همه مناطق وجود ندارد، اما بر اساس قیمت زمین، مساحت منازل مسکونی، نوع مصالح به‌کاررفته و بر اساس دیدگاه عرفی، می‌توان با اطمینان بالا مناطق بسیار فقیرنشین را مشخص کرد. به همین دلیل، در اینجا تنها محلاتی در دسته مناطق فقیرنشین جای گرفته‌اند که میزان فقر در آن‌ها وجهی عریان و مشهود دارد. مقایسه آماری زیر، گوشه‌ای از فقر اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی حاکم بر ۳ منطقه حاشیه‌نشین محلات گل سفید، علی‌آباد و دره اسدآبادی را در مقایسه با متوسط وضعیت در کل شهر خرم‌آباد نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳): مقایسه آماری فقر اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی سه منطقه حاشیه‌نشین گل سفید، علی‌آباد و دره اسدآبادی با متوسط وضعیت در کل شهر خرم‌آباد

| عنوان | آمار تجمعی سه منطقه | آمار شهر |
|---|---------------------|----------|
| درصد شاغلین | ۵۷ | ۳۸/۸ |
| درصد فارغ‌التحصیلان عالی از کل فارغ‌التحصیلان | ۱/۲۸ | ۷/۱۵ |
| درصد عالی از کل جمعیت شهر | ۱/۵۱ | ۳/۶۹ |
| درصد در حال تحصیل | ۳۵/۸۹ | ۵۱ |
| نسبت باسوادی | ۴۲/۲۵ | ۸۵/۱ |
| درصد خانه‌های دارای آشپزخانه و حمام | ۳۴/۱ | ۷۸ |
| درصد خانه‌های دارای آب‌لوله‌کشی مجاز | ۳۱/۱ | ۹۷/۶ |
| درصد خانه‌های دارای برق مجاز | ۵۹/۸ | ۹۹/۱ |
| درصد خانه‌های دارای تلفن | ۱۳/۱ | ۷۱/۵۵ |
| درصد خانه‌های دارای گاز لوله‌کشی | ۹/۴۶ | ۶۰/۳ |
| درصد خانه‌های دارای کولر | ۲۰ | ۸۵/۱۹ |
| تعداد نفر به‌ازای هر اتاق | ۴/۱۹ | ۱/۷۵ |
| بناهای ساخته‌شده از مصالح نامرغوب | ۸۷/۴ | ۲۵/۱۴ |

بر اساس یافته‌ها، حدود ۶۱ درصد کل مجرمان شهر خرم‌آباد، در مناطق فقیرنشین سکونت داشته‌اند، اما مناطق مرفه‌نشین، ۲۰ درصد کل مجرمان را در خود جای داده و مناطق فقیرنشین، کمتر از ۳۰ درصد کل جمعیت خرم‌آباد را در خود جای داده‌اند.

سازوکار رابطه فقر حاشیه‌نشینان بر جرم و شیوه‌های مقابله با آن

پژوهش‌های متعدد، بیانگر رابطه مستقیم حاشیه‌نشینی و جرم است و در این رابطه، فقر تأثیری بسیار مهم و اساسی دارد. پژوهشگران، راه‌حل‌های مناسب با این معضل را از جهات مختلف موردبررسی قرار داده‌اند. در خصوص حل عوامل اصلی شکل‌دهنده به حاشیه‌نشینی، مانند فقر و بیکاری در روستا، ابتدا پیشنهاد می‌شود قبل از هر چیز باید جلوی مهاجرت از روستا را گرفت. مانند سایر نقاط حاشیه‌نشین، مناطقی در خرم‌آباد هستند که با توجه به مهاجرت طبقه ضعیف جامعه و تجمع آنان حاشیه‌نشین شده‌اند؛ مانند: محلات پاچنار، ماسور، فلک‌الدین، بخش‌هایی از دره گرم، پشته جزایری و سراب یاس. مهاجرت افراد کم‌درآمد از روستاها به شهر و به امید دسترسی به فرصت‌های شغلی، کسب درآمد بیشتر و دسترسی به تسهیلات و امکانات شهری صورت می‌گیرد.

به‌طورکلی، نرخ بیکاری در کل کشور بالاست. در مورد نرخ بیکاری در لرستان، روایت‌های یکسان وجود ندارد؛ برخی، نرخ بیکاری را تا ۳۹ درصد نیز بیان کرده‌اند و برخی نیز ۲۸ درصد و... اما به‌طورکلی، لرستان از لحاظ نرخ بیکاری بین استان‌های کشور در رتبه اول یا دوم قرار دارد. این میزان تقریباً دو برابر متوسط بیکاری در کل کشور است. در شهر خرم‌آباد این نسبت بیشتر است:

- نرخ بیکاری در لرستان بیش از ۲۰ درصد؛

- نرخ بیکاری در شهر خرم‌آباد بیش از ۲۰ درصد؛

- نرخ بیکاری در بین مجرمان جمعیت نمونه حدود ۴۶ درصد؛

- نرخ بیکاری در بین مجرمان جمعیت نمونه شهر خرم‌آباد ۵۰ درصد (سالنامه آماری: ۱۳۸۱).

بنابراین، نرخ بیکاری در بین جامعه مجرمان، بسیار بالاتر از حد متوسط جامعه است. تقریباً نیمی از کل مجرمان بیکار بوده‌اند. نسبت‌های بالا را اگر با سابقه کیفری مجرمان و برخی نسبت‌ها مقایسه کنیم به نکات جدیدی خواهیم رسید. ۶۷ درصد کل مجرمان بیکار در مناطق فقیرنشین ساکن بوده‌اند. ۶۰ درصد کل مجرمان مناطق فقیرنشین شهر خرم‌آباد بیکار بوده‌اند. نرخ بیکاری در بین کل مجرمان، بالاتر از متوسط جامعه و در مناطق فقیرنشین، بسیار بالاتر است.

از بین کل مجرمان نمونه، ۲۸ درصد سابقه کیفری داشته‌اند. از بین کل مجرمان نمونه شهر خرم‌آباد، ۳۰ درصد سابقه کیفری داشته‌اند. از بین کل مجرمان سابقه‌دار ۷۰ درصد کل این افراد در مناطق فقیرنشین سکونت داشته‌اند. نتایج نشان می‌دهد، مناطق فقیرنشین شهر خرم‌آباد، همه شرایط مساعد برای پرورش جرم را در خود جای داده است: نرخ بیکاری بسیار بالاتر، تمرکز مجرمان در این مناطق و نسبت بالای مجرمان سابقه‌دار. اولاً بیکاری بر وضع معیشتی افراد تأثیر مستقیم دارد. افزون این‌که فرد بیکار، مجال و فرصت بیشتری برای آوردن به کارهای خلاف دارد. ۷۱ درصد کل افراد بی‌سواد در جمعیت نمونه، ساکن در این مناطق بوده‌اند، گرچه نسبت بی‌سوادان مجرم پایین است اما به سطح سواد مجرمان باسواد باید توجه داشت. متأسفانه پرونده‌های موجود سطح سواد مجرمان را ثبت نکرده است، اما برخی از تحقیقات و شواهد نشان می‌دهد، سطح سواد مجرمان به‌طورکلی، پایین و زیر دیپلم است و به‌طورکلی، در مناطق فقیرنشین تعداد افراد تحصیل کرده چندان بالا نیست. همین امر بر بیکاری و هم بر وضع معیشتی و در نتیجه امکان گرایش بیشتر به انحرافات اجتماعی مؤثر است. نکته دیگر در مورد تجمع مجرمان سابقه‌دار در مناطق فقیرنشین است. آن گونه که پیش‌تر گفته شد، حدود ۷۰ درصد کل مجرمان سابقه‌دار در این مناطق سکونت دارند.

سابقه کیفری به معنای تکرار جرم و حضور پیوسته یک مجرم در یک محله است؛ کسی که می‌تواند منبع و منشأ ترویج ناهنجاری‌های اجتماعی باشد. هرچه تعداد مجرمان سابقه‌دار در یک محله بیشتر باشد، شرایط امن‌تری برای

افراد مجرم به وجود خواهد آمد. گروه‌ها و باندهای جرم، راحت‌تر شکل خواهند گرفت و امکان سازمان‌دهی جرایم و نیز پرورش مجرمان جدید و جذب جوانان به سمت رفتار مجرمانه بیشتر خواهد بود.

فقر بر افزایش همه جرایم مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر دارد، اما میزان همبستگی بین جرایمی مانند سرقت و اعتیاد و شدت فقر، بسیار بالاست. آمار حاصله نشان می‌دهد سرقت بالاترین درصد را در بین سایر جرایم داراست.

در مناطق فقیرنشین، بالاترین نرخ وقوع جرم مربوط به سرقت و اعتیاد است. به‌طورکلی، ۶۷ درصد مجرمان سارق، بیکار بوده‌اند و تعداد سارقان این مناطق از سایر مناطق خیلی بیشتر است. نرخ بیکاری بالا، نرخ سرقت بالا و میزان اعتیاد نشان‌دهنده شرایط مالی پایین در این مناطق می‌تواند باشد. برخی آمار به‌دست‌آمده در مورد متغیرهای دیگر (مثل سن وقوع جرایم) شدت تأثیر فقر بر وقوع جرم را بیشتر نشان می‌دهد.

مطابق آمار به‌دست‌آمده از طرح، حدود ۸۰ درصد کل مجرمان زیر ۱۵ سال در مناطق فقیرنشین ساکن بوده‌اند و ۹۳ درصد کل مجرمان این سن (افراد زیر ۱۵ سال) جرمشان سرقت بوده است.

به‌طورکلی، علل وقوع جرم در بین کودکان متفاوت است، اما مهم‌ترین آن‌ها فقر و شرایط نامساعد خانوادگی است. کودکانی که وضعیت معیشت خانوادگی پایین دارند، آن‌ها یا خود به سمت دزدی کشیده می‌شوند، یا باندهای بزه و سازمان‌های جرم، آن‌ها را جذب خود می‌کنند و یا حتی توسط خانواده‌هایشان به این کار واداشته می‌شوند.

به‌هرحال، نسبت وقوع جرم کودکان مناطق فقیرنشین به سایر مناطق و نوع جرم ارتكابی در بین این قشر نشان‌دهنده وضعیت مالی نامناسب ساکنان این مناطق است.

بخشی بزرگ از فقر این مناطق، ناشی از بیکاری است. بخشی از معضل بیکاری را با زمینه‌سازی شغلی در روستاها می‌توان حل کرد. باین‌حال، بخشی از این موضوع را می‌توان محصول روحیه کسالت و تبلی در برخی اقشار دانست.

امام خامنه‌ای، هم‌سو با نتایج پژوهش‌های انجام شده، معتقد است کشاورزی را باید در درجه اول اهمیت قرار داد؛ نه به معنای این‌که صنعت را فراموش کنیم؛ «لیکن در مرتبه اول، مسئله کشاورزی است که اگر توانستیم کشاورزی را با شرایطی که دارد احیا کنیم، هم مسئله اشتغال حل می‌شود، هم عوارض گوناگون بیکاری - این حاشیه‌نشین، اعتیاد و امثال این‌ها - از بین خواهد رفت یا ریشه‌های آن تضعیف خواهد شد» (بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در اجتماع نخبگان و مسئولان استان خراسان شمالی، ۲۵/۰۷/۱۳۹۱). به نظر ایشان در این راستا، چند محور اصلی وجود دارد؛ اول: صنعتی کردن کشاورزی و باغداری، و دیگری: ایجاد صنایع تبدیلی، تکمیلی و سردخانه (بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در اجتماع نخبگان و مسئولان استان خراسان شمالی، ۲۵/۰۷/۱۳۹۱).

به نظر می‌آید عامل مهاجرت به شهر، تصوراتی است که در خصوص کیفیت کار و میزان در آمد ناشی از آن در

ذهن روستانشینان شکل گرفته است. برخی از روستا مهاجرت می‌کنند برای گریز از کار و به تصور راحتی و بیکاری در شهر! تصویری که فضای کارمندی از کار ایجاد کرده در این موضوع مؤثر است: «می‌شود راحت بود و کسی کاری به کار شما ندارد و...».

حضرت صادق (ع) فقری که ناشی از چنین روحیه‌ای باشد را از لشکریان جهل می‌شمارد و حضرت علی (ع) آن را نتیجه ترکیب تبلی و ناتوانی می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا اُذْوَجَتْ، اِذْوَجَ الْكَسَلُ وَالْعَجْزُ فَتَبَيَّحَ مِنْهُمَا الْفَقْرُ؛ وقتی اشیاء با هم ترکیب شدند، تبلی و ناتوانی نیز ترکیب شدند و نتیجه آن‌ها بینوایی شد.» این نوع فقر از مصادیق بارز فقری است که رسول خدا(ص) درباره‌اش فرموده است: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا فَقْرٌ؛ هم‌مرز با کفر است» (حسینی شاهرودی، ۱۳۸۴).

چنین روحیه‌ای بیش از هر چیز نیاز به تقویت فرهنگ کار و تلاش رسانه‌ای و هنری دارد. آیین اسلام، به کار ارزش فراوان می‌دهد، آن را می‌ستاید و منشأ مالکیت می‌داند: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ و برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.» (نجم: ۳۹) به‌طور کلی بافت ادبی آیات و به کار رفتن واژه‌های، «سعی» و «اکتساب» در آن‌ها ما را بر این امر واقف می‌سازد که راه کسب روزی، کار و تلاش است (حسینی شاهرودی، ۱۳۸۴).

در سوره جمعه به‌طور صریح و آشکار، دعوت به تلاش و کوشش برای طلب روزی نموده و فرموده است: «فَلِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (جمعه: ۱۰) در روایات هم بر غلبه نمودن بر فقر مالی به‌وسیله تلاش و کوشش دعوت و تشویق شده است؛ به‌عنوان، مثال امام صادق (ع) می‌فرماید: «لا تَكْسَلُوا فِي طَلَبِ مَعِيشَتِكُمْ فَإِنَّ آبَاتِنَا كَانُوا يَرْكُضُونَ فِيهَا وَيَطْلُبُونَهَا؛ در تحصیل روزی تبلی نکنید؛ زیرا پدران ما در این راه می‌دویدند و آن را طلب می‌کردند» (حر عاملی، ۱۳۹۷، ج ۱۲، ص ۳۸).

امام جواد (ع) در دعایی پرمغز از خدای متعال می‌خواهد او را گرفتار کسالت نکند که مایه شقاوت است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَوَى فَعَمِلَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِمَّنْ شَقِيَ فَكَسَلَ وَلَا مِمَّنْ هُوَ عَلَى غَيْرِ عَمَلٍ يَتَكَلَّبُ؛ خدایا ما را از کسانی قرار ده که تصمیم گرفتند آنگاه انجام دادند، و از کسانی قرار مده که تیره‌بخت شدند و در نهایت تبلی کردند و از آنانی قرار مده که بر غیر عمل صالح تکیه نمودند» (اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۳)؛ بنابراین، کسالت و تبلی می‌تواند سرچشمه اصلی فقر و حاشیه‌نشینی باشد. برای از بین بردن چنین خوی شقاوت‌آوری، باید تلاش و برنامه‌ریزی شود.

غیر از آنچه مربوط به عوامل مهاجرت به شهر و شکل‌دهی به حاشیه‌نشینی است، باید بر وضعیت حاشیه‌نشینان نیز متمرکز بود. درست یا اشتباه، عده‌ای به شهر مهاجرت کرده و نقاط حاشیه‌نشین را شکل داده‌اند. شاید برخی از این افراد را با ساخت مسکن روستایی، تقویت کشاورزی، ایجاد فرصت‌های شغلی، ایجاد صنایع متوسط و کوچک و... بتوان به روستا برگرداند، اما بخش مهمی از مهاجران، همچنان در نقاط حاشیه‌ای خواهند ماند. افزون بر این‌که همان‌طور که در سطور پیشین آمد، بخش مهمی از ساکنان مناطق حاشیه‌ای، عده‌ای از شهرنشینان هستند که به دلایل مختلفی مثل ورشکستگی اقتصادی به این مناطق آمده‌اند؛ بنابراین، برای این دسته باید راه‌حل‌های متناسب را پیدا کرد.

همان‌طور که بیان شد، فقر مناطق حاشیه‌ای، نقش بسیار مهم و درجه اولی در جرم‌خیزی این مناطق دارد. با توجه به مجال محدود مقاله در اینجا بر همین نقطه متمرکز خواهیم شد و راه‌حل‌های مواجهه با آثار روانی، فکری، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فقر در این مناطق را مورد بحث قرار خواهیم داد. مبنای راه‌حل‌های پیشنهادی از متن آیات و روایات خواهد بود.

ابتدا منطق رابطه فقر و آسیب یا جرم بیان خواهد شد و ذیل آن، راه‌حل متناسب با همان ارائه می‌شود. بین جرم و فقر، رابطه قطعی وجود ندارد؛ زیرا چه بسیارند فقیرانی که اهل سلامت و کرامت‌اند و چه بسیارند ثروتمندانی که گرفتار انواع انحرافات‌اند. در اینجا کانون توجه، بستری است که فقر می‌تواند برای انحراف فراهم کند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «کسی را که در پی تحصیل خوراک روزانه خود است، سرزنش مکن؛ زیرا کسی که قوت خود را نداشته باشد، خطاهایش بسیار است... فرزندم! هر که به فقر گرفتار آید، به چهار خصلت مبتلا شود: به سستی در یقین و کاستی در خرد و شکنندگی در دین و کمی شرم و حیا در چهره. پس، پناه می‌بریم به خدا از فقر» (جامع الأخبار: ۸۱۸/۳۰۰؛ منتخب میزان الحکمه، ص ۴۴۸).

در آیات و روایات متعدد به آثار فقر و نقش آن در شکل‌دهی به آسیب‌ها اشاره شده است. به‌طور کلی، از میان رفتن توازن و تعادل منطقی در اقتصاد، کار را به افراط و تفریط می‌کشاند. فقر، حد تفریط و حاکمیت بی‌قید و شرط سرمایه، حد افراط است. در این دو حد است که اخلاق، فضیلت، علم و فرهنگ، تباه و قربانی می‌شود. هم فقر اقتصادی می‌تواند مانع اساسی رشد فکری و تعالی فرهنگی شود و هم تکاثر و مال‌اندوزی عامل فساد، سقوط و انحطاط معنوی است (حسینی شاهرودی، ۱۳۸۴).

۱. مبارزه با فقر فرهنگی

از منظر روایات، یک دلیل تأثیر فقر بر انحراف اجتماعی، تأثیری است که فقر در ابتدای امر بر نظام فکری افراد می‌گذارد. در نظام فکری اسلام، اختلال در نظام ذهنی افراد موجبات اختلال در نظام رفتاری آن‌ها را فراهم می‌سازد. فقر قبل از هر چیز در نظام فکری شخص، اختلال ایجاد کرده و او را دچار نقص و ناتوانی می‌کند. فردی که دچار نقص عقلی و فکری شود، رفتار اجتماعی بهنجار نخواهد داشت.

فقر موجبات سوءظن به حکمت الهی و گرایش به کفرگویی را فراهم می‌کند: «وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِي؛ اما زمانی که وی را می‌آزماید و روزی‌اش را بر او تنگ می‌گرداند، می‌گوید پروردگارم مرا خوار کرده است.» (فجر: ۱۶) امام رضا (ع) در تفسیر «فقدر علیه رزقه» می‌فرماید یعنی روزی‌اش را بر او تنگ سازد (صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۹۳، ح ۱). فقیرانی که دچار تنگی روزی می‌شوند، گمان می‌کنند خدا آن‌ها را خوار خواسته و مورد اهانت قرار داده است. بدیهی است کسی که در پرتگاه کفر می‌غلطد انتظار هر خطایی از او می‌رود. چنین فردی به‌راحتی مرتکب هر نوع خلاف و انحرافی خواهد شد و البته برایش، توجیهات لازم را هم فراهم خواهد کرد.

فقر موجب نقص عقل و دهشت آن را هم فراهم می‌کند. امام علی(ع) به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود: «یا بُنِی، اِنِّیْ اَخَافُ عَلَیْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنْهُ، فَاِنَّ الْفَقْرَ مَنْقُصَةٌ لِلدِّیْنِ! مَدَهْشَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِیَةٌ لِلْمَقْتِ؛ فرزندم! از فقر بر تو می‌ترسم. پس از آن به خدا پناه ببر؛ زیرا فقر، هم دین انسان را ناقص می‌کند و هم عقل را مشوش می‌سازد و هم مردم را به او و او را به مردم بدبین می‌کند (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱۹). از بین رفتن دین و عقل هم زمینه فروپاشی اجتماعی را فراهم می‌کند: «از دست رفتن دین، سبب نابودی امنیت است و با ترس و وحشت، زندگی مفهومی ندارد و زوال عقل، سبب زوال زندگی است و جامعه بی‌خرد را جز با مردگان نتوان قیاس کرد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱۹) می‌فرماید فقر «مَدَهْشَةٌ لِلْعَقْلِ» است. فقر، عامل دهشت عقل است. دهشت عقل را می‌توان نوعی، سرگشتگی و تحیر معنا کرد. انسان فقیر، گرفتار سرگشتگی است و در تصمیم‌گیری ناتوان است. کسی که عقلش گرفتار وحشت و سرگشتگی است، نمی‌تواند درست و غلط را به‌خوبی تشخیص دهد و امکان گرفتار شدنش در دام انحرافات، زیاد است. «لوکنا نسمع او نعقل ماکنا فی اصحاب السعیر».

مناطق حاشیه‌نشین از این نظر بیشتر در معرض آسیب فکری و نقص در قوه عاقله هستند. بر اساس منطق، پیش از هر چیز باید عامل این اشکال را که همان فقر است، مرتفع کرد، اما رفع این عامل ممکن است به‌زودی قابل انجام نباشد. از این رو، باید کمک‌های دیگری به این قشر صورت گیرد:

تشویق مردم به انفاق و فعالیت نهادهای امدادگری مثل کمیته امداد و بهزیستی مهم است و می‌تواند در کاهش فشارهای مالی مؤثر باشد. کاهش فشار مالی، مجال تعقل بیشتری برای این افراد فراهم خواهد ساخت و مانع این خواهد شد، برخی اقشار فقیر از سر اضطرار و فشار گرفتار خطا و لغزش شوند؛ از این رو، کمک به حاشیه‌نشینان با توجه به آسیب‌های متعددی که در این مناطق است، به مدیریت دقیق و هوشمندانه نیاز دارد؛ زیرا در غیر این صورت، کمک‌های مالی، صرف تقویت همان انحرافات خواهد شد! آن‌گونه که پیش‌تر بیان شد، مطابق یافته‌های پژوهشگران، درصدی قابل‌توجه از ساکنان این مناطق، گرفتار اعتیاد و دیگر آسیب‌ها هستند و این کمک‌ها می‌تواند برای این مسائل صرف شود. در بین حاشیه‌نشینان، روسپیگری شیوع دارد و کمک‌های مالی به زن‌هایی که در معرض آسیب‌اند، بسیار اثربخش خواهد بود. برنامه‌های فرهنگی هم مؤثر است: رده‌های آموزشی، ایجاد مسجد و...

۲. تقویت روحیه امید در فقرا

تصور این‌که سختی‌ها و به‌ویژه مشکلات مالی، پایدار هستند، مضاعف‌کننده سختی‌هاست، افزون این‌که توان تحمل را از انسان می‌رباید. توجه به گذرا بودن سختی‌ها و گشایش آینده، توان انسان را افزایش می‌دهد و از شدت فشار روانی آن‌ها می‌کاهد و سختی‌ها و مشکلات را تحمل‌پذیر می‌سازد؛ به همین جهت، معصومین (علیهم‌السلام) با توجه دهی به همین اصل، افراد گرفتار را آرام می‌ساختند (پاکزاد، ۱۳۸۸).

محمد بن عجلان می‌گوید: نزد امام صادق(ع) بودم که کسی از نیازمندی خود به حضرت شکایت کرد. حضرت در

پاسخ فرمود: بردبار باش که به‌زودی، خداوند فرج تو را خواهد رساند (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۶۸، ص ۲۱۹).

شهید مطهری بنا بر آیاتی از سوره انشراح «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشراح: ۶-۵) معتقد است قرآن نمی‌فرماید که بعد از سختی، آسانی است. تعبیر قرآن این است که با سختی، آسانی است؛ یعنی آسانی در شکم سختی و همراه آن است» (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۷۵). این نوع نگاه به زندگی، قدرت تحمل فقرا را افزایش می‌دهد و مانع تسلیم منفعلانه در برابر مشکلات می‌شود. مهم‌تر از همه این‌که، مانع گرفتار شدن در دام انحرافات مانده مشروبات الکلی و اعتیاد می‌شود. بسیاری از افرادی که از نظر اقتصادی، پریشان و درمانده‌اند، برای رهایی از فشار مشکلات، به اعتیاد و شرب خمر پناه می‌برند.

حضور فعال روحانیت آگاه می‌تواند در تقویت نگاه امیدبخش و افزایش روحیه توکل و صبر در اقشار حاشیه‌نشین مؤثر باشد. هم‌چنین، حضور گروه‌های مددکار اجتماعی و روان‌شناسان متعهد از این جهت می‌تواند تکیه‌گاه فکری و روحی مناسبی برای حاشیه‌نشینان فقیر باشد؛ البته باید توجه داشت بسیاری از روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی با توجه به تحصیلات دانشگاهی که عموماً متکی به نظریه‌های سکولاریسمی است، از روش‌هایی استفاده می‌کنند که گاه خود، تشدیدکننده مشکلات پیشین و پدیدآورنده مصائب نوین است. نمونه این نوع رویکرد را در عملکرد جمعیت امام علی(ع) می‌توان مشاهده کرد.

۳. تقویت اعتماد به نفس و احساس کرامت

یک دلیل مهم مهاجرت روستائیان، کسب منزلت اجتماعی بالاتر و به‌اصطلاح «شهری شدن» است. بخشی از دافعه روستا و جاذبه شهر می‌تواند ناشی از تحقیر و تخفیف اقوام و فرهنگ‌های محلی و روستایی باشد؛ مانند: جوک سازی در مورد اقوام، تمسخر پوشش و لهجه اقوام، تأکید بر لهجه، زبان پایتخت و...

ناتوانی مالی هم در کاهش اعتماد به نفس بسیار مؤثر است. امام علی(ع) به فرزند خود امام حسن(ع) می‌فرماید: «فرزندم! آدم فقیر، حقیر است. سخنش خریدار ندارد و مقام و مرتبتش شناخته و دانسته نمی‌شود. فقیر اگر راست‌گو باشد، او را دروغ‌گو می‌نامند و اگر زاهد و دنیا‌گریز باشد، نادانش می‌خوانند» (جامع الاخبار، ۳۰۰/۸۱۸؛ منتخب میزان الحکمه، ص ۴۴۸). همه این ویژگی‌ها نشان از پایگاه اجتماعی پایین طبقه فقیر دارد و کسی که منزلتش پایین باشد، حرفش را به همان دلایلی که امام فرمودند، نمی‌شنوند و اگر هم بشنوند، روی آن حساب نمی‌کنند. فقرا به‌راحتی متوجه این دادوستد زیان‌بار شده و در مقام بیان خواسته‌ها، قدرت استدلالشان ضعیف می‌شود: «الْفَقْرُ يَخْرِسُ الْفَطْنَ عَنْ حُجَّتِهِ؛ فقر، زبان شخص زیرک را از بیان دلیلش، فرو می‌بندد» (نهج البلاغه، حکمت ۳). در چنین شرایطی احتمال شکل‌گیری روحیه بدبینی و کینه‌توزی در فقرا کم نیست. کسی که چنین نگاهی نسبت به او وجود داشته باشد، از جامعه فاصله خواهد گرفت و ممکن است به‌قصد انتقام از کسانی که به فرمایش امام علی(ع) «خریدار سخنش نیستند»؛ «مقام و مرتبتش را نمی‌شناسند»؛ «حرف راستش را دروغ می‌شمارند» و «زهدهش را نادانی می‌پندارند» به سمت خطا و انحراف کشیده شود.

این‌که می‌فرماید فقر «دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ» است (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱۹)؛ یعنی موجب بدبینی می‌شود. از دو نظر می‌توان رابطه فقر و بدبینی را بر پایه حدیث شریف تفسیر کرد: نخست این‌که مردم از چنین شخصی فاصله می‌گیرند و حتی او را مزاحم خود تصور می‌کنند و دیگر اینکه او هم از مردم فاصله می‌گیرد؛ زیرا بسیاری از اوقات، فکر می‌کند مردم اسباب فقر او را فراهم کرده‌اند و حق او را خورده و او را بر خاک سیاه نشانده‌اند؛ بنابراین از دو سو خشم و ناخرسندی حاصل می‌شود. از کلام امام(ع) استفاده می‌شود که فقر قدرت و توان برخورد‌های اجتماعی را از انسان می‌گیرد، و فقیر جرئت دادوستد را از دست می‌دهد و به یک انسان بی‌اراده تبدیل می‌شود که قدرت انجام هیچ کاری را ندارد. آن حضرت (ع) همچنین می‌فرماید: «الْفَقْرُ فِي الْوَطَنِ غُرْبَةٌ؛ بِي نِيَازٍ فِي غُرْبَةٍ، وَطَنِي اسْتِ وَ نِيَازَمُنْدِ فِي وَطَنِ، غُرْبَةٍ اسْتِ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۵۶).

یکی از راه‌های مهم کسب منزلت، عفت و ورزی و حفظ ظاهر است. قشر فقیر را می‌توان کمک کرد فقر خود را برای جلب کمک دیگران، نمایان نکند و اظهار احتیاج نکند. حتی مبتنی بر متن آیه شریفه برخی فقرای باکرامت به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که انگار بی‌نیازند: «بِحَسْبِهِمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءٌ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِمَاهُمْ لَا يَسْتَلُونَ النَّاسَ الْحَفَاءُ» (بقره: ۲۷۳) از فرط پاکی، نادان آن‌ها را دارا می‌پندارد، ولی تو (ای پیامبر) آنان را از چهره می‌شناسی، آنان هرگز، از کسی سؤال و درخواست مادی نمی‌کنند.

امیر مؤمنان (ع) از پیامبر خدا (ص) در این باره چنین نقل می‌کند: «أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْفَقِيرُ الْقَانِعُ بِرِزْقِهِ الرَّاضِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى» محبوب‌ترین بنده خدا، فقیری است که به روزی خود قانع و از خدای بزرگ، خشنود باشد. وظیفه مؤمنان فقیر، افزون بر حفظ آبرو و عزت و کرامت نفس، صبر و تحمل و کتمان پریشانی خویش از مردم و عرض و التماس به درگاه الهی است که مطمئناً بنده‌ای را که خلق کرده، بدون روزی نخواهد گذاشت، چنان‌که همان حضرت فرمود: «مَنْ جَاعَ أَوْ اِحْتَاَجَ فَكَتَمَهُ النَّاسَ وَ أَفْشَاهُ إِلَى اللَّهِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَرْزُقَهُ رِزْقَ سَنَةِ مِنَ الْحَلَالِ؛ هرکسی گرسنه یا نیازمند شود و آن را از مردم پنهان دارد و به خدا اعلام کند، بر خداوند است که روزی یک‌ساله او را از حلال تأمین کند» (حسینی شاهرودی، ۱۳۸۴).

این نوع نگاه را می‌توان با کار تبلیغی و فرهنگی و فرهنگی در فقرا تقویت کرد. روحیه عزت‌مندی، عفت و ورزی، قناعت و کرامت. مردم لرستان و شهر خرم‌آباد از نظر فرهنگ قومی و سنتی دارای عزت‌نفس بالایی هستند، اما به نظر می‌آید این روحیه به دلیل برخی تعاملات نامناسب میان مسئولین و مردم تضعیف شده است. نهادهای کمک‌کننده گاه با نیت خیر و گاه به دلایل دیگر، آرم و نشان نهاد خود را روی محصولات و خدمات ارائه شده درج می‌کنند و در مواردی، مسکن‌هایی که برای فقرا می‌سازند و این بیشتر از هر چیز، فقرا را نشان‌دار می‌کند. در بسیاری از موارد، خانواده‌های مستمند صرفاً به همین دلیل و برای حفظ عزت خود از پذیرش کمک‌ها خودداری می‌کنند.

اوایل انقلاب بسیاری از خانواده‌های مستمند از اینکه معلوم شود مستمری‌بگیر کمیته امداد امام یا بهزیستی

هستند دوری می‌کردند، اما در شرایط کنونی حتی بسیاری از خانواده‌های غیر نیازمند تلاش می‌کنند از این نهادها مستمری بگیرند و نگران آبروی خود هم نیستند. این موضوع نشان از کاهش روحیه عفت و ورزی در مردم دارد؛ بنابراین لازم است در خدمات‌رسانی به اقشار مستضعف، به این موضوع توجه بسیار شود.

یکی از راه‌های منزلت بخشی و تقویت روحیه اعتمادبه‌نفس در حاشیه‌نشینان برنامه‌ریزی برای سرکشی مستمر نخبگان ورزشی، هنری و سیاسی به این مناطق است. هم‌نشینی این نخبگان و ایجاد مجال برای هم‌صحبتی با آنها موجبات تقویت اعتمادبه‌نفس در آنها را فراهم خواهد کرد. تردد و تعاملی که تظاهر مثبت در آن برجسته باشد، همین‌طور برخی از مسابقات و مراسم معتبر را می‌توان در این محلات برگزار کرد ولو مسابقات محلی یا استانی. البته این امر مستلزم ایجاد برخی امکانات در این مناطق است.

به لحاظ چهره و ظاهر مناطق پیش‌گفته، اصلاح ظاهر آنها نیز مهم است. معمولاً ظاهر ساختمان‌ها و کوچه‌های این نوع محلات، آلوده و بی‌نظم است. در محله علی‌آباد خرم‌آباد، برخی مسئولین تا حدی به اصلاح ظاهر این مناطق پرداخته‌اند. در این خصوص نیز صداوسیما و سینما می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد. این‌که اغلب مشاغل پایین و دون‌پایه در سینما و تلویزیون متعلق به اقوام ترک، لر، رشتی و... است و شخصیت‌های برجسته، مدیر، متخصص و قهرمان‌های داستان‌ها با لهجه تهرانی تکلم می‌کنند در القای این نوع نگرش مؤثر است. اقبال به دو سریال «پایتخت» و «نون‌خ» را می‌توان از این منظر تبیین کرد و نقش آن در ارتقای گرایش به لهجه‌ها و آداب مناطق را مؤثر دانست. در سریال نون‌خ برای اولین بار شخصیت‌های غیر محبوب و به اصطلاح اعصاب‌خردکن با لهجه سلیس تهرانی حرف می‌زنند!

۴. تقویت احساس تواضع و عدم تفاخر در اغنیا

روی دیگر سکه تحقیر فقرا، تفاخر اغنیاست. اساساً و غالباً فقرا وقتی به مقایسه وضع خود با افراد مرفه می‌پردازند، احساس ضعف و کهتری در آنها شکل می‌گیرد. هم‌زمان با تقویت روحیه عفت‌ورزی و کرامت در فقرا لازم بلکه واجب است روحیه تفاخر و خودنمایی در اغنیا تضعیف شود. روحیه تفاخر در اغنیا، تمنای افراد سست ایمان برای داشتن زندگی شبیه قارون، فعال است و آنها را به خطا وامی‌دارد: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ؛ (قارون) با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آنها که طالب حیات دنیا بودند گفتند: ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است، ما نیز داشتیم. به‌راستی که او بهره عظیمی دارد.» (قصص: ۷۹)

آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه و ذیل این آیه بیان می‌کند: معمولاً ثروتمندان مغرور گرفتار انواعی از جنون می‌شوند که یک شاخه آن (جنون نمایش ثروت) است، آنها از این‌که ثروت خود را به رخ دیگران بکشند لذت می‌برند و از این‌که سوار مرکب راهوار گران‌قیمت خود شوند و از میان پابره‌نه‌ها بگذرند و گردوغبار بر صورت آنها بیفشانند و تحقیرشان کنند، احساس آرامش خاطر می‌کنند. اگرچه اغلب همین نمایش ثروت، بلای جانانشان

است؛ زیرا کینه‌ها در سینه‌ها پرورش می‌دهد و احساسات را بر ضد آن‌ها بسیج می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۱۶۲).

وضعیت زمانی حاد می‌شود که زمامداران حکومت خود به تجمل‌گرایی و نمایش ثروت بپردازند؛ بنابراین ثروتمندان باید از این روحیه دوری کنند و نظام اسلامی هم باید برای جلوگیری از شیوع این نوع خلیقات و بروز اجتماعی آن برنامه‌ریزی جدی کند.

صداوسیما عملکرد معکوسی از این نظر داشته است. به‌ویژه در تبلیغات تلویزیونی، وجوه لوکس و تجملاتی زندگی خانوادگی را برجسته می‌کند؛ به‌ویژه در نمایش لوازم‌خانگی و سفره‌های رنگارنگ که بیش از هر چیز می‌تواند کودکان اقشار فقیر را بیش‌ازپیش دچار احساس محرومیت کند.

نکته دیگری که از ثروتمندان توقع می‌رود، تقویت روحیه تواضع در آن‌هاست. این روحیه هم در کاهش بدبینی فقرا و احساس حقارت آن‌ها مؤثر است و هم مانع جوانه‌زنی و رشد ذهنیت کینه‌توزانه در آن‌ها می‌شود. اغنیا با این روحیه بهتر می‌توانند با فقرا تعامل کرده و از مشکلات آن‌ها خبردار شوند و برای رفع حوایج آن‌ها قدم بردارند. به همین دلیل است که در روایات، این‌گونه اخلاق، سفارش، تکریم و تعظیم شده است. امام رضا(ع) می‌فرماید: «مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْغَنِيِّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبٌ؛ هر کس با فقیر مسلمانی روبه‌رو شود و بر او به‌گونه‌ای سلام کند که با سلام بر ثروتمند تفاوت داشته باشد، در روز قیامت در حالی به پیشگاه خداوند می‌رسد که خدا بر او خشمگین است» (صدوق، الأمالی، ۷۱۴/۵۲۷).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از میان عوامل گوناگون بسترساز برای آسیب‌ها و جرایم اجتماعی یکی از مهم‌ترین این عوامل، حاشیه‌نشینی است. تحقیقات متعدد در جوامع مختلف و همین‌طور مطالعات میدانی انجام شده در ایران، مؤید ارتباط مستقیم حاشیه‌نشینی و آسیب اجتماعی است. شاید مهم‌ترین شاخصه حاشیه‌نشینی در فقر این مناطق است و همین شاخصه در جرم‌خیزی و آسیب‌پرور بودن این مناطق مؤثر است. در ایران شهرهای مختلفی مانند تهران، مشهد، اهواز، کرمانشاه گرفتار این معضل هستند. در شهر خرم‌آباد نیز همین مسئله دیده می‌شود. برخی نقاط حاشیه‌نشین این شهر، کانون فقر و انواع جرایم هستند. نرخ وقوع جرم و آسیب اجتماعی در برخی از این نقاط بسیار بالاتر از سایر نقاط می‌باشد.

مطالعه میدانی انجام شده رابطه نزدیک و قطعی فقر در این مناطق و آسیب‌های اجتماعی را نشان می‌دهد. عواملی چون مهاجرت روستائیان به امید شغل و درآمد بهتر و دسترسی به امکانات و خدمات بیشتر عامل اصلی حاشیه‌نشینی است. در عین حال، ورشکستگی اقتصادی برخی از ساکنین با سابقه شهر آن‌ها را مجبور به سکونت در این مناطق ساخته است؛ بنابراین، این مناطق به نوعی کانون جذب فقر و فقرا هستند؛ بنابراین راه‌حل اصلی، حل پدیده اقتصادی در حل مشکلات روستاها و شهرهای کوچک است. پژوهشگران برای این مسئله پیشنهادها

راهگشایی ارائه کرده‌اند؛ از جمله: توزیع برابر امکانات در بین مناطق و کاهش فاصله توسعه بین مرکز و پیرامون، توجه ویژه بر رشد کشاورزی و مدرنیزه کردن آن، ایجاد زیرساخت‌های خدماتی مناسب در این مناطق، توسعه صنایع متوسط و کوچک؛ به‌ویژه صنایع تبدیلی در این مناطق و... استان لرستان از این نظر و با توجه به شرایط مساعد آب و هوایی و زمین‌های مرغوب کشاورزی، استعداد و ظرفیت بالایی برای توسعه مناطق کوچک شهری و روستایی دارد.

نقطه تمرکز این مقاله بیشتر بر عوامل روانی و اجتماعی است که فقر را بستر ساز آسیب می‌کند. فقر مبتنی بر یافته‌ها و بر اساس آیات و روایت، نقش مهمی در نقص فکری و اجتماعی فقرا دارد: از طرفی قدرت عقلانیت و درست‌اندیشی را از افراد سلب کرده و مانع تصمیم‌گیری صحیح و اتخاذ تصمیم مناسب در بحران‌ها و مشکلات می‌شود. کسی که تحت فشار مسائل مالی است و نگران تأمین حوائج روزانه است فراغت و آرامش ذهنی نخواهد داشت و دائم در شرایط اضطراب خواهد بود. از طرف دیگر افراد فقیر از منزلت اجتماعی پایینی برخوردارند و احساس حقارت و کهنتری در آن‌ها جدی است.

طبق آیات و روایات همین عوامل زمینه انزوای اجتماعی، بدبینی، کینه‌توزی و کم‌حیایی و بدتر از همه سستی در عقیده و کفر را فراهم می‌سازد. هر کدام از این ویژگی‌ها به تنهایی در شکل‌دهی به آسیب‌ها و جرایم اجتماعی نقش مهمی دارد. نگاه همراه با سوء ظن و تردید ساکنان مناطق حاشیه‌نشین به هر غریبه‌ای که وارد این مناطق می‌شود مؤید بخشی از همین مسائل است.

نظام اسلامی برای این بخش هم لازم است برنامه‌ریزی جدی بکند. به هر دلیل برخی در مناطق حاشیه‌نشین ماندگار شده‌اند و لازم است برنامه‌های خاصی برای این قشر تدارک دیده شود. برخی از این برنامه‌ها باید بر حل مسائل روانی و اجتماعی متمرکز شود:

۱. توسعه و تعمیر مساجد به عنوان پایگاه اصلی ترویج اعتقادات و اندیشه‌های دینی و نیز کانون قابل اعتماد مدیریت کمک‌رسانی به فقرا و نیازمندان؛

۲. ایجاد امکانات ورزشی و فرهنگی برای جلوگیری از شیوع روحیه بیکارگی و کسالت و همین‌طور تقویت اعتماد به نفس و عزت اجتماعی؛

۳. برنامه‌ریزی برای حضور و سرکشی دائم و نمایان نخبگان ورزشی، هنری و... در این مناطق برای افزایش احساس اعتماد و کرامت و کاهش روحیه غربت و انزوای اجتماعی. همین موضوع می‌تواند بدبینی ساکنان این مناطق را کاهش دهد؛

۴. حضور مشاوران زبده و کارکشته روان‌شناس و نیز مددکاران اجتماعی برای گره‌گشایی روانی و کاهش معضلات روحی و روانی خانواده‌ها؛

۵. برنامه‌ریزی هدفمند و مؤثر برای ارائه کمک‌های مالی قابل توجه و راهگشا به خانواده‌های مستمند این مناطق؛ به‌ویژه خانواده‌هایی که زنان و دختران آن به دلیل فقر ممکن است گرفتار فحشا، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر شوند. این امداد رسانی لازم است به‌گونه‌ای صورت گیرد که اعتماد به نفس و کرامت ساکنان این مناطق تقویت شود؛

۶. تلاش برای اصلاح، تنظیم و تزئین مبلمان شهری در این مناطق.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- اسماعیلی، مهدی، (۱۳۹۰)، *حاشیه‌نشینی و رابطه آن با بروز جرم و جنایت در شهرستان خرم‌آباد*، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی شهید اشرفی، دانشکده حقوق.
- اسمعیل‌نژاد، مرتضی؛ ملکی، آفرین؛ باوفا، سمیه و زهرا صیادی، (۱۳۹۰)، «*تحلیلی بر شاخص‌های کیفی مسکن در راستای امنیت اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین (نمونه: محله علی‌آباد در شهر خرم‌آباد)*»، فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس، تابستان، دوره ۳، ش ۸.
- اسمیت، (بهار ۱۳۷۹)، *فرهنگ جوانان آمریکا*، گروه مترجمان، انتشارات سازمان ملی جوانان.
- باقری، رضا و میرهاشم ابراهیم‌زاد یزدانی، (۱۳۹۴)، *تأثیر حاشیه‌نشینی در وقوع جرم با تأکید بر جرم سرقت* (مطالعه موردی شهر کرج).
- باوی، جواد، (۱۳۸۴)، *ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین شهر اهواز با تأکید بر منطقه ملاحیه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد.
- بزی، خدارحم و همکاران، (زمستان ۱۳۹۵)، «*بررسی علل شکل‌گیری و راهکار مقابله حاشیه‌نشینی شهر زابل با تأکید بر توانمندسازی*»، فصلنامه مطالعات شهری، ش ۲۱.
- بسحاق، مجید، (۱۳۹۱)، *بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر در پدیده سرقت (مورد مطالعه شهرستان خرم‌آباد)*، دانشگاه پیام نور استان تهران، دانشکده علوم انسانی.
- بیرانوند، حامد، (۱۳۹۳)، *عوامل مؤثر بر توسعه حاشیه‌نشینی شهر خرم‌آباد*، دانشگاه پیام نور استان تهران، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی [کارشناسی ارشد].
- پاکزاد، عبدالعلی، (۱۳۸۸)، «*مهارت غلبه بر فقر مالی در قرآن*»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۵۷، ویژه‌نامه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن.
- پوریامهر، رضا، (۱۴۰۰)، «*تحلیل و ارزیابی بافت فرسوده و ناکارآمدی شهری به منظور بازآفرینی*

- شهری) مطالعه موردی: شهرستان خرم‌آباد»، جغرافیا و روابط انسانی، بهار، دوره ۳، ش ۴، ص ۵۸۴-۵.
- حرعاملی، محمد بن الحسین، (۱۳۹۷ ق)، *وسائل الشیعه*، چاپ چهارم، تهران: مکتبه الاسلامیه.
 - حسینی شاهرودی، محمد، (۱۳۸۴)، «مقابله شریعت با فقر، فساد و تبعیض»، حصون، ش ۴.
 - خدائی، جواد، (۱۳۹۰)، *اسکان غیر رسمی در منطقه کلان شهر مشهد (نمونه موردی: قلعه ساختمان و آبکوه)*، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد.
 - خدائی، زهرا و سمیه تیموری، (زمستان ۱۳۹۶)، «تحلیلی بر پراکنش فضایی فقر شهری در نواحی شهر خرم‌آباد»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره ششم، ش ۳، ص ۳۳-۵۸.
 - رضایی، محمدرضا و محسن کمانداری، (۱۳۹۳)، «بررسی و تحلیل علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر کرمان نمونه مورد مطالعه: محلات سیدی و امام حسن»، فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، زمستان، سال چهارم، شماره چهارم، (پیاپی ۱۵).
 - زاهدی، محسن، (۲۱ بهمن ۱۳۹۹)، «بررسی حاشیه‌نشینی در لرستان»، هفته‌نامه سیمره.
 - سازمان بهزیستی استان لرستان، (خرداد ۱۳۸۱)، «بررسی وضعیت خانواده‌های ساکن در محله کوی پریان شهرستان خرم‌آباد».
 - سالنامه آماری ۱۳۸۱ لرستان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان.
 - ستوده، هدایت‌اله، (۱۳۸۱)، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، چاپ نهم، تهران: انتشارات آوای نور.
 - سجادی، ژیلا و همکاران، (۱۳۹۲)، *بررسی وضعیت اقتصادی، اجتماعی و کالبدی سکونتگاه غیررسمی محله گل سفید شهر خرم‌آباد و ارائه راهکارهایی جهت بهبود وضعیت آن*، اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار.
 - شیخی، محمدتقی، (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی شهری*، انتشارات شرکت سهامی.
 - طهماسبی، فرهاد، (۱۳۸۰)، *بررسی نقش راهکارهای فرهنگی در کاهش مفاسد اجتماعی در بین جوانان شهر خرم‌آباد*، مؤسسه متارخ.
 - عباسی، حامد و همکاران، (۱۳۹۴)، «افتراق جغرافیایی - فضایی در محلات شهر خرم‌آباد»، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۳۴.
 - فرجاد، محمدحسین، (۱۳۷۴)، *آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات*، انتشارات بدر، چاپ ششم.
 - فکوهی، ناصر، (۱۳۸۵)، *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نشر نی.
 - کلینی، محمد بن یعقوب، (بی‌تا)، *اصول کافی*، تهران: انتشارات مجد چهارده معصوم.
 - مجلسی، محمدباقر، (۱۳۹۶ ق)، *بحارالانوار*، چاپ دوم، تهران: المکتبه الاسلامیه.
 - محسن‌زاده، طاهره، (۱۳۹۲)، *مطالعه عوامل اجتماعی و فرهنگی خیابانی شدن کودکان در شهر خرم‌آباد*

- در سال ۱۳۹۱، کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- مرادی منفرد، آذر، (۱۳۹۲)، «امنیت در زندگی حاشیه‌نشینان شهر خرم‌آباد»، اولین کنفرانس بین‌المللی حماسه سیاسی (با رویکردی بر تحولات خاورمیانه) و حماسه اقتصادی (با رویکردی بر مدیریت و حسابداری).
 - مستوفی الممالکی، رضا و ابراهیم رستمگورانی، (۱۳۸۹)، «تحلیل ارتباط دو سویه عملکرد مدیریت شهری بر سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی محله دره گرم غربی خرم‌آباد)»، فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس، بهار، دوره ۲، ش ۳.
 - مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، مجموعه آثار، چاپ پنجم، تهران: صدرا.
 - مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۲)، تفسیر نمونه، ج ۱۶، چاپ یازدهم، قم: دارالکتب الاسلامیه.